صراط مستقیم و حق آنجاست که علی ایستاده است

علی‌اصغر موقاری

سیزدهم ماه مبارک رجب‌المرجب مصادف با ولادت مولودی آسمانی است که با ولادتش در این روز خداوند متعال دریای بیکرانه اوصاف الهی خویش را اراده کرد تا در کالبدی جسمانی قرار دهد و الگویی متعالی از صفات الهی برای بشریت تا انتهای خلقت و تجلی‌بخش معنای حقیقی انسان کامل معرفی کند؛ اوصاف بی‌منتهایی که وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت که خود آخرین پیامبر و به تعبیر الهی قرآن «اسوه حسنه» است در وصف شخصیتش خطاب به آن حضرت می‌فرماید: «یا علی ما عـرف اللّه حق معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیراللّه و غیری؛ ای علی! خداوند متعال را نشناخت به حقیقت شناختش جز من و تو و تو را نشناخت آن گونه که حق شناخت توست، جز خدا و من.» (مناقب ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۲۶۸) یا در جایِ دیگر فرمود: «یا علی لایعرف اللّه تعالی الّا انا و انت و لایعرفنی الّا اللّه و انت و لا یعرفک الّا اللّه و انا؛ ای علی! خدا را نشناخت جز من و تو و مرا نشناخت جز خدا و تو و تو را نشناخت مگر خدا و من.» (محمدتقی مجلسی، روضه‌المتقین، ج ۱۳، ص ۲۷۳) و در روایتی دیگر نیز در بی‌انتهایی اعجاز گونه او ابن عباس نقل می کند که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «لو آن الرّیاض اقلام و البحر مدادٌ و الجنّ حسّابٌ و الانس کتابٌ مااحصوا فضائل علیّ بن ابیطالبٍ؛ اگر انبوه درختان (و باغ‌ها) قلم و دریای مرکب و تمام جنیان حسابگر و تمام انسان‌ها نویسنده باشند قادر به شمارش فضائل علی بن ابیطالب نخواهند بود.» (بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۱۹۷ و بحار ج ۳۵، ص ۸ – ۹) یا در روایتی دیگر وجود مقدس آن حضرت خطاب به امیرمومنان علی(ع) به تعابیری ایشان را توصیف می کنند که می‌فهماند به رغم تجسم اوصاف در وجود و شخصیت آن حضرت و اذعان صریح دوستان و دشمنان بر حقانیت ایشان، گویی بسیاری از فضائل حضرت یا گفته نشده یا در صورت بیان، در قالب سرّی از اسرار گفته شده است: «وَالَّذِی نَفْسِی بِیدِه لَوْ لَا آن تَقُولَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِی فِیک مَاقَالَتِ النَّصَارَی فِی ابْنِ مَرْیَمَ لَقُلْتُ الْیَوْمَ فِیک مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِمَلَاءٍ مِنَ الْمُسْلِمِینَ إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَیک لِلْبَرَکه.» (بحارالانوار، جلد ۴۰، باب ۹۱، حدیث ۱۱۴)

آری، به درستی باید گفت: کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم.

همترازی قرآن کریم با ولایت امیرمؤمنان علی(ع)

با نگاهی به روایاتی که در خصوص جایگاه بلندمرتبه امیرمومنان علی(ع) نقل شده است، درمی‌یابیم که مرتبه وجودی آن حضرت از مرتبه والا و عظیمی برخوردار است؛ مرتبه‌ای که شیفتگان حضرتش با تمسک، توسل و تلاش در تجسم و عینیت بخشیدن به آن در شخصیت ایمانی وجودی خویش می‌توانند مراتب متعالی و کمال را طی کنند. جنبه این هدایتگری خاص وجود آن حضرت، با تأمل و تدبر در بیانات و تعابیر رسول گرامی اسلام (ص) و توصیف حضرت امیر از زبان ایشان در برابری، همتایی و معیت با قرآن کریم مشخص می‌شود. رسول گرامی اسلام (ص) بر حسب احادیث معتبر و مشهور بین‌المسلمین، آن حضرت را با حق و با قرآن و حق و قرآن را با او و لازم‌الاتصال و غیرقابل جدایی معرفی می کنند و می‌فرمایند: «علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیثما دار»؛ (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴ق، ج۳۸، ص۲۹–۴۰) به تعبیر مقام معظم رهبری: «اگر دنبال حقید، ببینید علی کجا ایستاده است، او چه می کند، انگشت اشاره او به کدام سو است. زندگی امیرالمؤمنین یک چنین زندگی‌ای است.» (بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع) – ۱۳۸۹/۴/۵)

این بدان معناست که از طریق آیات هدایت‌بخش قرآن امیرالمؤمنین شناخته می‌شود، چنانکه ذیل آیه «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی لِلَّتِی هِی أَقْوَمُ» (اسراء/ ۹) آمده است: «یَهْدِی إِلَی الْإِمَامِ (الکافی، ج ۱، ص ۲۱۶) یَهْدِی إِلَی الْوَلَایه» (العیاشی، ج ۲، ص ۲۸۳) که مصداق اول و اصلی آن، وجود مقدس امیرالمؤمنین است.

اقرار همگان به حقانیت امیرمومنان(ع) همچون قرآن

حاکم حسکانی که سرآمد دانشمندان اهل سنت قرن پنجم در علم الحدیث به شمار می‌آمد، در شواهد التنزیل از ابن عباس نقل می کند که «ما فی القرآن آیه «الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحات» الا و علی أمیرُها و شریفُها؛ هیچ آیه‌ای در قرآن نیست که در آن مؤمنین به «الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» مخاطب شده باشند الا اینکه شریکشان امیرالمومنین(ع) است.» (شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۲۱). یعنی حقیقت خطاب به امیرالمؤمنین است و بقیه به تبع ایشان مخاطب این آیه می‌شوند. همچنین ابن عباس تصریح دارد: «نُزِلَت فی علی ثلاث مأة آیه؛ درباره علی(ع) ۳۰۰ آیه نازل شده است.» (تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۶۴)

از این تعابیر به خوبی می‌توان دریافت که برای شناخت حضرتش باید اندیشه در فهم آیات محکم قرآن غرق کرد و با رجوع به بیانات گهربار معصومین در رابطه با تفسیر کتاب‌الله، رشحات معانی را با زوایای وجودی‌اش تطبیق داد تا الگویی مستجمع از صفات هدایت‌گونه‌اش ترسیم کرد و در وجود خود تجسم بخشید.

علی(ع) و قرآن؛ یک حقیقت واحد

بیان این مقام و منزلت بی‌انتها با چنین توصیفاتی حیرت‌انگیز و توجه دادن همگان به بهره بردن از آن وجود باعظمت، بی‌شک معرفی «صراط مستقیم» هدایت و «حبل‌الله المتین» رهایی بخش از ضلالت دنیای دون و رستگاری ابدی در حیات دنیوی و اخروی است. همانگونه که قرآن، هدایت‌بخش است و این دو حقیقت یک حقیقت واحد هستند. موید این همانی، نسبت امیرالمؤمنین با قرآن، روایاتی است که از فریقین نقل شده است؛ همچون: «علی مع القرآن و القرآن مع علی لا یفترقان حتی یردا علی الحوض» (امالی طوسی، ص ۴۶۰)

این عینیت و همراهی به گونه‌ای است که جان امیرالمؤمنین و جان قرآن «بل هو آیات بینات فی صدور الذین اتوا العلم» (عنکبوت/۴۹) و حقایق قرآن با قلب امیرالمؤمنین «و من عنده علم الکتاب» (رعد/۴۳) یکی است.

مهم‌ترین موعظه قرآن کریم

همترازی، همراهی و عینیت قرآن با حقانیت امیر مؤمنان علی(ع) حقیقتی سعادت‌بخش است که قرآن ذیل این آیه مبارکه، همگان را به پذیرش آن موعظه کرده است: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُکُم بِوَاحِدَةٍ أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَی وَفُرَادَی» (سبأ/۴۶)؛ چراکه در تفسیر مفاهیم این آیه امام باقر(ع) فرموده‌اند: «إِنَّمَا أَعِظُکُم بولایة علی علیه السلام هی الواحدة التی قال الله تبارک و تعالی إِنَّمَا أَعِظُکُم بِوَاحِدَةٍ» (کافی (اسلامیه)، ج ۱، ص ۴۲۰).

در حقیقت قیام در راه خداوند که از مرتبه عظیمی برخوردار است، پذیرش ولایت آن حضرت است؛ چراکه هدایت‌بخشی قرآن و دین اسلام بدون پذیرش آن ناتمام خواهد ماند. همانگونه که در واقعه غدیر فرمان الهی بر ابلاغ آن بر پیامبر خاتم (ص) نازل گردید: «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَیکَ مِن رَّبِّکَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَک.» (مائده/۶۷)

با توجه به این مبانی قرآنی و روایی به خوبی درمی‌یابیم که بهترین الگوی سعادت‌بخش انسان در حیات دنیوی و اخروی پیروی از ولایت امیرمؤمنان علی(ع) و اولاد طاهرین آن حضرت است که درآویختن به آن شجره طیبه انسان را از ورطه ضلالت به اعلای درجه هدایت ابدی و به «حیات طیبه»ای که قرآن وعده داده است، رهنمون می‌سازد.

به جز از علی الگو نگیریم

ویژگی‌های امیرمومنان علی علیه‌السلام؛ الگوی سعادت‌بخش نسل جوان

محسن اخباری

در دنیای کنونی کـه اثرات مخرب فرهنگ غربی، نه تنها جامعه ایرانی، بلکه جامعه جهانی را تحت تأثیر قرار داده و از طریق ابزارهای رسانه‌ای جدید و در حال توسعه سعی دارد الگوهای مدنظر خود را در جهت توسعه مبانی فکری و دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی به جوامع دیگر، به‌خصوص نسل جوان معرفی کند، معرفی الگو و اسوه‌ای متعالی و کامل که هدایت‌بخش آنان باشد و سعادت دنیوی و اخروی و موفقیت در تمام عرصه‌های زندگی را به همراه داشته باشد، برای نسل آینده میهن اسلامی ضروری اسـت. الگویی که روحیه خودباوری، اتکا به اراده الهی و جهـاد در راه اهـداف متعالی را در ذهن جوانان بارور ساخته و تجسم بخشد، چراکه خود او اولین گام‌های تکامل معرفتی خویش را از سال‌های آغازین نوجوانی و جوانی برداشت و چنان درخششی در تمامی عرصه‌های زندگی نائل شد که رسول گرامی اسلام(ص) او را برادر، جانشین، ولی و وصی خویش معرفی کرد.

علی(ع)، بهترین الگوی جوانان در کلام ولی

مقام معظم رهبـری در رابطه با الگو بـودن امیر مؤمنان برای جوانـان می‌فرمایند: «درخشـش امیرالمؤمنیـن(ع) در دوران جوانی، همان الگوی ماندگاری اسـت که همه جوانان می‌توانند آن را الگو و سرمشـق خود قرار دهنـد. در دوره جوانی در مکه به عنـوان یک عنصر فـداکار، یک عنصر باهوش، یک جوان فعال، پیشرو و پیشگام؛ در همه میدان‌ها، مانع‌های بزرگ را از سر راه دعوت پیغمبر برطرف می‌کند. در همه میدان‌های خطر سینه‌سپر می‌کند، سخت‌ترین کارها را بر عهده می‌گیرد. با فداکاری خود، امکان هجـرت پیغمبر به مدینه را فراهم می‌کند و بعد در دوران مدینه، فرمانده سپاه، فرمانده دسته‌های فعال، عالم، هوشمند، جوانمرد و بخشنده؛ در میدان جنگ، سرباز شجاع و فرمانده پیشـرو؛ در عرصه حکومت، یک فـرد کارآمد؛ در زمینه مسـائل اجتماعی هم یک جوان پیشرفته به‌تمام معنا می‌شود. (بیانات در دیدار با جوانان در مصلای تهران یکم اردیبهشت/۱۳۷۹)

در ادامه به برخی از ویژگی‌هـای بی‌بدیل زندگی امیر مؤمنان علی(ع) برای نسل جوان مؤمن انقلابی با اشاره به اندیشه مقام معظم رهبری می‌پردازیم تا جوانان آینده‌ساز میهن اسلامی بتوانند در چله دوم انقلاب اسلامی که از اهمیتی بس بیشتر از چله اول انقلاب و در مسیر تمدن‌سازی، گفتمان‌سازی و حرکت برای تحقق اهداف و مبانی غایی حرکت عظیم ملت مسـلمان ایران برخوردار است، آنها را الگوی خود قرار دهند و به مقصودها و مقاصد نهایی دست یابند.

۱. شجاعت در عرصه‌های گوناگون

از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی حضرت علی(ع) برای نسـل جوان را می‌توان «شجاعت» بی‌مثال آن حضرت معرفی کرد. شـجاعتی که از آغازین سال‌های نوجوانی به معنای واقعی کلمه در وجود آن حضرت شـکل گرفت و در تمامی لحظه‌های زندگی ایشان که با آنات سـخت و حساس تاریخ اسلام و زندگی پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز گره خورده بود، بروز و ظهور پیدا کرد.

الف: شجاعت در پذیرش و پایبندی به ایمان

اولین جلوه این شجاعت در «ایمان» به حقانیت دعـوت پیغمبـر خاتـم(ص) در آغاز دعـوت به اسلام و در سخت‌ترین شـرایط بعثت آن حضرت نمایـان می‌شـود. مقام معظـم رهبـری در این خصوص می‌فرماینـد: «بدون تردید، شـجاعت امیرالمؤمنین(ع) در میدان زندگی از شجاعت او در میدان جنگ بالاتر بود! ماجرای سبقت به اسلام در دوران نوجوانی، یکی از مصادیق این شجاعت است. حضرت آن روزی که قبول اسلام کرد همه به این دعوت پشـت کرده بودند و کسی جرئت نمی‌کرد اسـلام آن را بپذیرد. اینجا این نوجوان بلند شد و گفت: من ایمان می‌آورم! البته قبلاً ایمان آورده بود؛ و اینجا ایمان خود را علنی کرد. امیرالمؤمنین(ع)، آن مؤمنی است که در طول مدت ۱۳ سال بعثت، هرگز ایمانش مخفی نبود، جز همان چند روز اول. مسلمان‌ها چند سال ایمان مخفی داشتند؛ اما همه می‌دانستند که امیرالمؤمنین از اوول ایمان آورده اسـت و ایمان او مخفی نبود. این را درست تصور کنید: همسایه اهانت می‌کند، بزرگان جامعه اهانت و سختگیری می‌کنند، شـاعر و خطیب مسخره می‌کند، پولدار و آدم پست و رذل اهانت می‌کند و امیرالمؤمنین در میان این امواج سهمگین مخالف، محکم و اسـتوار مثل کوه می‌ایسـتد و می‌گوید: من خدا را شـناخته‌ام و بر آن پافشـاری می‌کند. این شجاعت است. امیرالمؤمنین در تمام مراحل زندگی، در مکه و در مدینه این شجاعت را از خود نشـان داده اسـت.» (خطبه‌های نماز جمعه ۲۰/ بهمن/۱۳۷۴)

ب: شجاعت در روزهای سخت رسالت

دومین جلوه شـجاعت حضرت امیر(ع) در همیاری شجاعانه با پیامبر(ص) در عرصه‌های سخت رسالت و دعوت همگانی آشکار می‌شـود. آن حضرت بعد از پذیرفتن اسلام در تمام سختی‌ها و دشواری‌های انجام رسالت حضرت رسول(ع) برای دعوت به دین اسلام، همراه و همیار واقعی آن حضرت بود و مجاهدت‌های بی‌شمار در راه انجام این دعوت از خود نشان داد.

در شرایط سخت محاصره شـعب ابیطالب همراه حضرت رسول(ص) بود. در لیله المبیت، آن شبی که مشـرکان توطئه ترور و قتل رسول خدا(ص) را چیده بودند، با خوابیدن در بسـتر آن حضرت و گذشتن از جان خویش، این توطئه را ناکام گذاشت و بـا این مجاهدت خـود زمینه هجـرت عظیم و سرنوشت‌سـاز حضرت رسـول(ص) به مدینه را فراهم کرد. مقام معظم رهبری در خصوص عظمت این اقدام حضرت می‌فرمایند: «ممکن است گفته شود؛ برای یک جوان قهرمان و شجاع، پذیرش این مأموریت کار مشکلی نیسـت، اما باید به موقعیت خاص توجه کرد؛ یک خانه تنگ و تاریک و کوچک، چراغ برق هم نبود که تا دشمنان آمدند، فوری کلید برق را بزند تا بفهمند اشتباه کرده‌اند. آنها هم معین نکرده بودند که چه زمانی قرار است حمله کنند؛ ناگهانی می‌ریختند به خانه و تا او می‌آمد به خود بجنبد و خود را معرفی کند، کار تمام شده بود. یعنی واقعاً یک فداکاری به معنای حقیقی کلمه بود و علی بن ابیطالب(ع) این فداکاری را کرد. (بیانات در روز ۱۹ ماه مبارک رمضان ۲۸/اردیبهشت/۱۳۶۶)

مهم‌ترین ویژگی شجاعت آن حضرت همانطور که مقام معظم رهبری می‌فرمایند «اخلاص» حضرت امیر مؤمنان (ع) بود: «اخلاص، تنها چیزی بود که در آن شب حاکم بود، کسانی که در چنین مواردی به فکر خودشان باشـند، در فکر این هستند که از موقعیت اسـتفاده کنند، اما او در همین لحظه به فکر نجات جان پیامبر بود. (بیانات در خطبه‌های نمازجمعه ۱۶/فروردین/۱۳۷۰)

ج: شجاعت در میدان جهاد

سـومین جلـوه این شـجاعت، حضور مـداوم، خستگی‌ناپذیر و ایثارگرانه در میدان‌های سخت جهاد با کفار است. بعد از هجرت به مدینه حضرت علی(ع) در جنگ‌ها و غزوات حضرت رسول(ص) حضور دلاورانه‌ای داشت و مجاهدت‌های بسیاری را در این مسیر از خود نشان داد و با تحمل سختی‌ها و دشـواری‌های جنگ، خدماتـی بزرگی به دین اسلام در آن شـرایط سـخت نمود. وقتی که در جنگ بدر حضور داشت، بسیاری از سران کفار را از بین برد. در جنگ احد وقتی جنگ به سـختی کشید، با دلاوری و رشادت از جان رسول خدا(ص) دفاع کرد. در جنگ خندق این علی است که ندای «هل من مبارز» عمرو بن عبـدود را جواب داد و به جنگ او رفت و این چنین، تمام ایمان در مقابل تمام کفر قرار گرفت: «برز الایمان کله الی الشرک کله»، افزون بر این ضربت او که باعث کشته شدن عمرو می‌شود، از عبادت جن و انس برتر دانسته می‌شود که «ضربه علی(ع) فی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین» یا در جنگ خیبر بعد از هشت روز محاصره دژ قموص علی(ع) در خیبر را کند و خود فرمود: «به خدا قسم در خیبر را با قدرت جسمانی نکندم، بلکه با قدرت رحمانی کندم.» در شجاعت او همین بس که پیامبر اکرم(ص): «والله انه جیش فی سبیل الله، به خدا قسم علی(ع) یک لشکر است [در جنگیدن] در راه خدا» به‌درستی که شأن نزول این آیه را باید حضرت علی(ع) عنوان نمود: «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما». (نساء/۹۵)

وجود مقدس آن حضرت درباره اهمیت سال‌های سـخت جهاد خویش در خطبـه ۵۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «ما با رسـول الله (صلی الله علیه و آله) بودیم. پدران، فرزندان و برادران و عموهای خود را می‌کشتیم و این جز به ایمان و تسلیم ما نمی‌افزود که بر راه راسـت بودیم و بر سوزش آلام شکیبایی می‌ورزیدیم و در جهاد با دشمن به جد در ایستاده بودیم. بسا مردی از ما و مردی از دشمنان ما، مردانه، پنجه در می افکندند، تا کدامیک دیگری را شرنگ مرگ چشاند. گاه ما بودیم که جام مرگ از دست دشمن می‌گرفتیم و گاه دشمن بود که جام مرگ از دسـت ما می‌گرفت، چون خداوند صداقت ما را در پیکار دید، دشـمن ما را خوار و زبون ساخت و ما را پیروزی داد. تا اسلام استقرار یافت و از خوف دشمنان آرمید و در منزلگاه‌های خود مأوا گزید. به جان خودم سوگند، اگر شیوه و سیرت شما را پیش گرفته بودیم، حتی ستونی از این بنا برپا نمی‌شد و درخت اسلام را شـاخه تری نمی‌رویید. به خدا سوگند، آنچه زین پس می‌دوشید خون خواهد بود و نصیبی جز پشیمانی نخواهید برد.»

این شـجاعت در جهاد حضرت امیر(ع) بود که به تعبیر مقام معظم رهبری موجب شد، «حق» زنده شود: «آن وقتی که هیچ‌کس در میدان نمی‌ماند، او می‌ماند. آن وقتی که هیچ‌کـس به میدان قدم نمی‌گذاشت، او می‌گذاشت. آن وقتی که سختی‌ها مثل کوه‌هایِ گران، بر دوش مبارزان و مجاهدان فی‌سبیل‌الله سنگینی می‌کرد، قامت استوار او بود که به دیگران دلگرمی می‌بخشید. برای او، معنای زندگی همین بود که از امکانات خدادادی، از قوت جسمی و روحی و ارادی و هر آنچه در اختیار اوست، در راه اعتلای کلمه حق استفاده کند و حق را زنده نماید. چنین بود که با قـدرت اراده و بازو و جهاد علی(ع)، حق زنده شد.» (بیانات در دیدار جمعی از مردم و کارگزاران نظام ۱۰/بهمن/۱۳۶۹)

۲. بصیرت در زمان فتنه

یکی دیگـر از مهم‌ترین ویژگی‌های شـخصیتی حضرت علی(ع) که در سخت‌ترین شرایط حیات ایشان گره‌گشا و تأثیرگذار بود، «بصیرت» همراه با ایمان و آینده‌نگری آن حضرت است، ویژگی که در این دوران نسل جوان امروز باید به خوبی آن را سرلوحه زندگی خویش قرار دهد تا در مخمصه‌های فتنه روزگار و دوران جدید از آن بهره برده و صراط هدایت را با تبعیت از ولایت بپیماید.

بصیرت حضرت امیر(ع) از واپسین لحظات سخت رحلت رسول گرامی اسـلام نمایان شـد. در آن لحظه‌ها و روزهای تلخ که هر از گاه قطعات فتنه، افق دیدها را چنان تاریک می‌کرد که نمی‌توانستند قدم از قدم بردارند. در چنین شرایطی امیرالمؤمنین بزرگ‌ترین امتحان‌های ایثار را داد؛ «امیرالمؤمنین در هنگام رحلت پیغمبر، امیرالمؤمنین مشـغول انجام وظیفه شد، نه اینکه نمی‌دانست یک اجتماعی وجود دارد که سرنوشـت قـدرت و حکومت را در دنیای اسلام، آن اجتماع تعیین خواهد کرد؛ اما برای امیرالمؤمنین آن چه مطرح نبود، خود بود!» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۸/اردیبهشت/۱۳۶۸)

حضرت امیر(ع) که از بصیـرت و آگاهی بی‌بدیلی برخوردار بود، در زمانی که حـق ولایت و خلافت جامعه اسلامی با آنکه کسـی شایسته‌تر از او برای احراز این منصب وجود نداشـت و پیامبر اسـلام نیز به دفعات و به‌طور خـاص در واقعه غدیر بر آن تصریح و تأکید کرده بودند از او سـلب شـد، اما با مصلحت‌اندیشی نسبت به اسلام و سرنوشت جامعه اسلامی که مصلحتی بزرگ‌تر از آن وجود نداشت، از این منسب به شکل مسالمت‌آمیزی کناره گرفت: «امیرالمؤمنین در دوران بعد از اسـتقرار مسـئله خلافت، فرمود: «لَقَد عَلِمتُم أَنّـی أَحَقُّ النّاسِ بِها مِن غَیری» می‌دانید که من از همه مردم به خلافت شایسته‌ترم. این را خود شـماها هم می‌دانید. من دست روی دست خواهم گذاشت و تسلیم خواهم شد، «ما سَلِمَتْ أمورُ المُسلِمینَ» تا وقتی که احساس می‌کنم که امور مسلمین با سلامت در جریان است؛ تا وقتی می‌بینم کسـی مورد ظلم قرار نمی‌گیرد، «وَ لَم یکن فیها جَورٌ الاّ عَلَـی خاصّةً» تا وقتی که به مردم ظلم نشود و در جامعه ظلم و جوری وجود نداشته باشد و فقط من مظلوم واقع شوم. تا اینچنین است، من کاری به کار کسی ندارم. هیچ مزاحمتی و اعتراضی نخواهم کرد.» (خطبه‌های نماز جمعه ۸/ اردیبهشت/۱۳۶۸)

دلیل ایـن مصلحت‌اندیشـی بصیرت گونه نیز به تعبیر مقام معظم این است که «امیرالمؤمنین آن کسی است که قدرت برایش اصل نیست! آن کس که قدرت برایش اصل اسـت، بـه راحتی از اصول می‌گذرد، از دین می‌گـذرد و دین برایش اصالتی ندارد. مـا این را در روش‌های معمـول و رایج دنیا مشاهده می‌کنیم. در مجامع اسلامی که دین اسلام مطرح است، گذشت از دین اسلام است و آنجایی که اسلام مطرح نیست، گذشت از همه ارزش‌هاست!» (بیانات در ۲۰ ماه مبارک رمضان ۷/آبان/۱۳۶۸)

۳. عبادت و معنویت بی‌مانند حضرت علی(ع)

آن حضرت در مقـام و منزلت دینـی و معنوی و عبادت، الگویی بی‌مانند و بی‌نظیر است. هدایت‌های ایشان از قرآن و دین خدا بود که باعث شد در متن قرآنی هیچ تغییری رخ ندهد و قرآن از گزند آسیب و انحراف مصون بماند و آن حضرت را بهترین مفسر و مبین قرآن و شریعت نماید. او که حافظ قرآن، قرآن ناطق و مفسر راستین آن است، احاطه‌اش به معارف الهی چنان است که تنها او می‌تواند بگوید «لَوْ کُشِفَ الغطاءُ ما ازددتُ یقیناً».

در محراب عبادت، شخصیتی بی‌نظیر و بی‌مانند بود که در وصف عبادت‌های او دوسـت و دشمن سخن‌های بسـیار گفته‌اند و دعاهای آن حضرت، بهترین مخازن خداشناسی و معرفت هستند.

عبـادت آن حضرت تا بـه آنجـا دارای اهمیت و جایگاه رفیع اسـت که خداوند به ملائکه مباهات و فخرفروشـی بوسـیله عبادت‌های امیرمؤمنان می‌کند. پیامبر اکـرم(ص) در این باره می‌فرماید: «صبحگاهی جبرئیل با شادی و حالت بشارت بر من وارد شد. گفتم حبیب من چه شده تو را خوشحال و بشارت‌رسان می‌بینم، پس گفت: «ای محمد(ص) چگونه خوشحال نباشم و حال آنکه چشمم به‌خاطر اکرامی که خداوند نسبت به برادرت و جانشینت و امام امتت علی بن ابی‌طالب روا داشته، روشن شده اسـت»، پس پیامبر اکرم(ص) فرمـود: «چگونه خداوند برادرم و امام امتم را گرامی داشـته است؟ «قال: باهی بعبادته البارحةُ ملائکته و حملةُ عرشه و قال: ملائکتی انظـروا الی حجّتی فی ارضی علی عبادی بعد نبیی، فقد عفر خدّه فی التّراب تواضعاً لعظمتی، اشهدکم انّه امام خلقی و مولی بریتی»؛ خداوند با عبادت دیشب علی بر ملائکه و حاملان عرش مباهات نموده و فرموده است: «ملائکه من نگاه کنید به حجتم بر برندگانـم در زمین بعد از پیغمبرم، براستی صورت و گونه‌اش بر خاک نهاده اسـت بخاطر تواضع در مقابل عظمت من، شـما را شـاهد می‌گیرم که او (علی) پیشوای مخلوقم و سرپرست مردمان من می‌باشـد.» (بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی، ج ۴۱، ص ۲۱ ذیل روایت ۲۸)

توجـه آن حضـرت به عبـادت معبـود خویش بدان اندازه بـرای حضرتش با اهمیت اسـت که در سـخت‌ترین شـرایط جهاد و مقاتله نیز از آن غفلت نمی‌کند. مقام معظـم رهبری در خصوص توصیف این ویژگی با اشاره به روایتی از ابن‌عباس می‌فرمایند: «ابن‌عباس می‌گوید: در صفین دیدم امیرالمؤمنین در بحبوحه جنگ به آسـمان نگاه می‌کند. تعجب کردم چون در حال جنگ هر کسی باید حواسش به‌طور کامل به جنگ باشد؛ از کجا تیر می‌آید از کجا شمشیر می‌آید، چه کسی به طرفم می‌آید، فرمانده می‌نگرد که کدام گروه دچار ضعف هست تا به آنها مدد برسانند.» ابن‌عباس می‌گوید: «دیدم حضرت به آسـمان نگاه می‌کند. گفتم: یا امیرالمؤمنیـن چرا به بالا نـگاه می‌کنید؟! گفت: می‌خواهم ببینم ظهر شده تا نماز بخوانیم. گفتم: یا امیرالمؤمنین، اکنون وقت نماز است، اما فعلاً جنگ را ادامه می‌دهیم و نماز را بعد می‌خوانیم. حضرت رو کرد به من و گفـت: نه. ما بـرای همین داریم می‌جنگیم. ما برای نماز، برای دین و برای ذکر خدا شمشیر می‌زنیم. این درس عجیبی است که خط را فراموش نکنیم. مبارزه ما برای اسلام، برای نماز، برای حکومت الله و برای حاکمیت خدا در دل و در زندگی ماست.» (دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم تیر- یکم/تیر/۱۳۶۲)

> بصیـرت حضـرت امیـر (ع) از واپسین لحظات سـخت رحلت رسول گرامی اسلام نمایان شد. در آن لحظـه هـا و روزهای تلخ، که هـر از گاه قطعـات فتنه، افق دیدها را چنان تاریـک می کرد که نمی توانسـتند قـدم از قدم بردارنـد. در چنیـن شـرایطی امیـرالمؤمنیـن بزرگ‌ترین امتحـان هـای ایثـار را داد

> حضرت علـی علیه السـلام در محـراب عبـادت، شـخصیتی بی‌نظیـر و بی‌ماننـد بـود کـه در وصـف عبادت‌هـای او دوسـت و دشـمن سـخن‌های بسـیار گفته‌انـد و دعاهـای آن حضـرت، بهتریـن مخـازن خداشناسـی و معرفت هستند

> مقـام معظـم رهبـری: بـدون تردید، شـجاعت امیرالمؤمنین علیه السّـلام در میـدان زندگی از شـجاعت او در میـدان جنگ بالاتـر بـود! ماجـرای سـبقت بـه اسـلام در دوران نوجوانـی، یکـی از مصادیق این شـجاعت اسـت. حضـرت آن روزی قبول اسلام کرد که همه به این دعوت پشت کرده بودند و کسی جرات نمـی کـرد اسـلام آن را بپذیرد